
The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces

Javad Akbari ^{1*}, Fateme Ghasemi ²

¹. Master of Architecture, Municipality, Mashhad, Iran

². Bachelor of Architectural Engineering, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Received Date: 18 April 2023 Accepted Date: 20 May 2023

Abstract

Background and Aim: Today's man is not able to live without considering what has happened to him, and in order to have a better life, he must rely on the infrastructure he has already acquired. Human identity is manifested in the most basic state in the environment that is self-decorated. With the arrival of cultural elements from other countries, especially western countries, the culture and the identity of the Iranian society have undergone changes; Therefore, today, the discussion about identity and culture has been paid attention to in various scientific branches. Since one of the methods of investigating the identity of society is to pay attention to its spatial and urban communication elements, this article is presented with the aim of investigating the place of mosque architecture in giving identity to the urban space. The goals of this research are to revive the urban space and its aesthetic features, to breathe a new spirit in different social, economic, cultural and physical fields, to change the level of culture, to preserve and promote ancient values, to create a contemporary urban space with the pattern of elements Tradition and consolidation of the sense of belonging to the named place.

Methods: The research method in the data collection section was carried out in a qualitative manner, the extraction and examination of the elements of identity in the architecture of mosques was carried out in the form of a conceptual diagram and in a library and documentary manner.

Findings and Conclusion: The findings of the research show that paying attention to the body and the way of arranging spaces and other urban elements, along with the cultural and spiritual issues that are the duties of urban designers, are among the things that promote the identity of mosques in the urban space.

Keywords: identity, mosques, architecture, urban space, sense of belonging to a place.

* Corresponding Author: javad1365asd@yahoo.com.

Cite this article: Akbari, J., Ghasemi, F. (2023). The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1),19-29.

جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری

جواد اکبری^{۱*}، فاطمه قاسمی^۲

۱. کارشناس ارشد معماری، شهرداری، مشهد، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: انسان امروزی بدون در نظر گرفتن آنچه بر وی گذشته است، قادر به زندگی نیست و برای داشتن زندگی بهتر، باید به زیرساخت‌هایی که از قبل بدست آورده است، تکیه کند. هویت انسانی در اولین، ابتدایی‌ترین و بهترین حالت در محیطی که خود آراسته است نمود پیدا می‌کند. هویت، واژه‌ای بسیار ساده اما با مفهومی بسیار پیچیده است. با ورود عناصر فرهنگی دیگر کشورها، به خصوص کشورهای غربی، فرهنگ و در پی آن هویت جامعه ایرانی نیز دست خوش تغییراتی شده است؛ از این رو امروزه بحث درباره هویت و فرهنگ در شاخه‌های مختلف علمی مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که یکی از شیوه‌های بررسی هویت جامعه، توجه به عناصر فضایی و ارتباطی شهری آن می‌باشد این مقاله با هدف بررسی جایگاه معماری مساجد در هویت بخشی به فضای شهری، ارائه شده است. از اهداف این پژوهش می‌توان به احیاء مجدد فضای شهری و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن، دمیدن روح جدید در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی، تغییر در سطح فرهنگ، حفظ و ارتقاء ارزش‌های کهن، خلق فضای شهری معاصر با الگو از عناصر سنتی و تحکیم حس تعلق به مکان نام برد.

روش بررسی: روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در بخش گردآوری داده‌ها، از روش کیفی استفاده گردید. استخراج و بررسی عناصر هویت ساز در معماری مساجد در قالب نمودار مفهومی و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که توجه به کالبد، جانمایی، و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصر شهری در کنار مباحث فرهنگی و معنوی که از وظایف طراحان شهری است از جمله مواردی است که موجب ارتقاء هویت مسجدها در فضای شهری می‌شود.

کلید واژه‌ها: هویت، مساجد، معماری، فضای شهری، حس تعلق به مکان.

* نویسنده مسئول: javad1365asd@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: اکبری، جواد؛ قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۲). جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری، فصلنامه مطالعات توسعه‌یادار شهری و منطقه‌ای، ۴(۱)، ۱۹-۲۹.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و حس تعلق است. در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می‌شود؛ انسان امروزی بدون در نظر گرفتن آنچه بر وی گذشته است، قادر به زندگی نیست و برای داشتن زندگی بهتر، باید به زیرساخت‌هایی که از قبل بدست آورده است، تکیه کند (موثقی و ایرملو، ۱۳۸۵: ۲). هویت انسانی در اولین، ابتدایی‌ترین و بهترین حالت در محیطی که خود آراسته است نمود پیدا می‌کند. این محیط انسان ساخت زمانی مورد اهمیت و استفاده است که به خواسته‌ها و ناخواسته‌های شخص مصرف‌کننده پاسخ گوید و همچنین مسیر وی را برای پیمودن راه، تا کمال انسانی هموار سازد (فرح، ۱۳۷۸: ۱۵). انگیزه‌های دینی و اعتقادی و تمایل انسان به پرستش یکی از دلایل مهم در به وجود آمدن شهرهای اولیه است. بنابراین با گسترش شهرنشینی و رشد شهرها نیایشگاه‌ها همواره جایگاه ویژه خود را داشته‌اند. مسجد به عنوان نیایشگاه مسلمانان و جزئی از ساخت فضایی- کالبدی شهر، عنصری شکل‌دهنده به سیمای شهری و مکانی در حیات عمومی‌اند. در گذشته هر شهر یک مسجد جامع و هر محله نیز چند مسجد داشته است. ایجاد رابطه ماهرانه فضایی- مکانی مسجد با سایر عناصر شهری و ارتباط مناسب با جمعیت استفاده‌کننده، بیانگر هنر معماری گذشتگان ماست. مساجد در گذشته با استقرار در مسیرهای ارتباطی، ایجاد دسترسی‌های متنوع و تراکم فعالیت‌های پیرامون آن در مرکز شهرها و مرکز محلات از پویایی در سه زمینه قابلیت دسترسی، نفوذپذیری و عملکرد برخوردار بوده‌اند. صنعتی شده سریع‌تر دنیای اسلام و افزایش توانان جمعیت منجر به تخریب روز افزون بافت شهری و بی‌توجهی به چیدمان مناسب عناصر شهر (در بافت توسعه یافته) شده است. این موضوع با توجه به کم‌رنگ‌تر شدن سایر شالوده‌ها و نقش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مساجد که مراکز محلات معنا و منزلت می‌بخشد و موجب حفظ انسجام گروهی و پیوستگی محلات شهری می‌شد بیشتر قابل لمس است. اکنون جا دارد در زمان بازیابی توانمندی این نهاد دینی، با پذیرش قابلیت‌های بازشناسی و بهره‌گیری از اندیشه‌های اندوخته شده در سازمان‌دهی مساجد مفاهیمی را در بر گرفته و از آن با توجه به تحولات معاصر، به طراحی و سازمان‌دهی فضای شهری پردازیم. در این راستا سؤال اصلی پژوهش این است که آیا مسجد به عنوان نماد جامعه اسلامی و گویاترین تجلی کالبدی می‌تواند به عنوان یکی از عناصر اصلی در هویت بخشی به فضای شهری و مراکز محلات تأثیرگذار باشد؟ و همچنین تأثیر عوامل کالبدی، معنی‌دار مساجد تا چه میزان می‌تواند موجب تقویت فضای شهری و مراکز محلی شهری شود؟ بررسی وضعیت محلات و تحولاتی که در طی چند دهه اخیر تا کنون رخ نموده مبین این نکته است که در شهرهای ما مفهوم محلات به کلی با گذشته فرق کرده است. در نظام شهری گذشته محلات به عنوان سلول‌ها و عناصر پایدار در کنار هم و در پیوند با عناصر اصلی، معابر در ساخت شهرها دخیل بوده‌اند. مساجد به عنوان یکی از عناصر اصل شهری، با توجه به خصوصیات مذهبی و اجتماعی که داشتند تأثیر بسزایی در هویت‌بخشی ایفا می‌کردند. ضرورت این تحقیق آن است با بررسی جایگاه مساجد در فضای شهری و در مراکز محلات و ارتباط مشروط با گذشته با توجه به امکانات معاصر به مراکز محلات معنا و هویت بخشید. گذشته‌ای که مساجد به صورت مراکز اجتماعی مذهبی و سیاسی عامل حفظ و انسجام گروه‌های اجتماعی بوده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی اجرا شده و ماهیت کاربردی دارد. فرایند انجام این پژوهش در سه گام قابل بررسی است. در گام اول با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی استخراج گشته که منتج به ارائه مدل مفهومی پژوهش حاضر شده است. در گام دوم نیز به همان روش، جایگاه مساجد در هویت‌بخشی به محلات و فضای

شهری مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت بر اساس مدل مفهومی فاکتورهای کلی هویت ارائه شده است و به نتیجه حاضر که مساجد جایگاه ویژه‌ای در هویت بخشی به محلات و فضای شهری دارند رسیده است.

مبانی نظری پژوهش

هویت: واژه هویت اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد (محرمی، ۱۳۸۳: ۱۱). در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز در بیان ریشه‌ای و اصل کلمه هویت لفظ هو آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی. هویت پدیده‌ها در نظام‌های مختلف فکری با محک‌هایی مختلفی سنجیده می‌شود، در جامعه‌ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی - مکتبی، محک‌هایی متعین و در جامعه‌ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن - مدنی محک‌هایی نامتعین مالک ارزیابی هویت قرار می‌گیرند (سجادی، ۱۳۶۳: ۵). در رابطه با انسان، همه فرایندهای مصنوعی از جمله آثار معماری و شهرسازی جنبه اعتباری و ابزاری دارند و هویت خود را از علت فاعلی، یعنی اندیشه‌ها و ایده‌های معماران و شهرسازان، کسب می‌کند. از آنجا که اندیشه‌ها و اعتقادات انسان‌ها - معماران و شهرسازان و سایر اقشار - به طور مستقیم و غیرمستقیم - خودآگاه یا ناخودآگاه - در اعمال و آثار آنها اثر می‌گذارد، بنابراین هر شهر، هویت خود را از سازندگان و شهروندان راضی وضع موجود کسب می‌کنند (آئینه وند، ۱۳۸۳).

جدول ۱: ابعاد هویت در فضای شهری (منبع: نگارندگان)

انواع هویت	توضیحات	منابع
ابعاد هویت	اگر تغییرات روندی طبیعی داشته باشد و فرصت بروز ثابت‌هایی را در مقطع زمانی بدهد، تغییر هویت نیز با آهنگی قابل پیش‌بینی و در قالبی قابل سنجش اتفاق می‌افتد و در مجموع کم تنش بودن جریان تغییر هویت و وجود چارچوب‌هایی برای قضاوت در هر مقطع زمانی هویت را به وضع تثبیت‌شده‌ای نزدیک می‌کند. به طوری که این پدیده علیرغم تغییرات هویتی، همواره هویت بخش به نظر می‌رسد.	مدتی پور ۱۳۷۹
	بافت کالبدی و ساختار مکانی - فضایی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی فضاهای شهری را شکل می‌دهد زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی فضاهای شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بی‌انجامد. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد.	نوفل، ۱۳۸۸
	این نوع از هویت ارزش‌های زیباشناختی در شهر و کیفیت فضایی و امکان ادراک و موقعیت و جهت‌یابی را شامل می‌شود، اگر فردی در شهر وارد شود و او بعد از دیدن بخش‌های مختلف شهر بتواند به خوبی بخش‌هایی از شهر را توصیف کند و در ذهن او باقی بماند آن فضاهای شهری نمایانگر هویت بصری خواهند بود.	نوفل، ۱۳۸۸
	هویت شناختی کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر و نمادها و نشانه‌های شهری و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را نشان می‌دهد. عناصر هویتی هر کدام در شب و روز مفهوم خاصی را به ما می‌دهد عناصر باید در شب و روز آن چنان خوانایی و وضوح داشته باشد که هویت بخشی به شهر را در هر دو زمان حفظ کند.	موثقی ۱۳۸۵
	بی هویتی به معنی سلب هر گونه امکان تشخیص، مفهومی است که در دنیای واقعی با قانون‌مندی‌های مادی حاکم بر آن، شاید هیچ‌گاه به صورت مطلق نمود نیابد.	قاسمی ۱۳۸۳

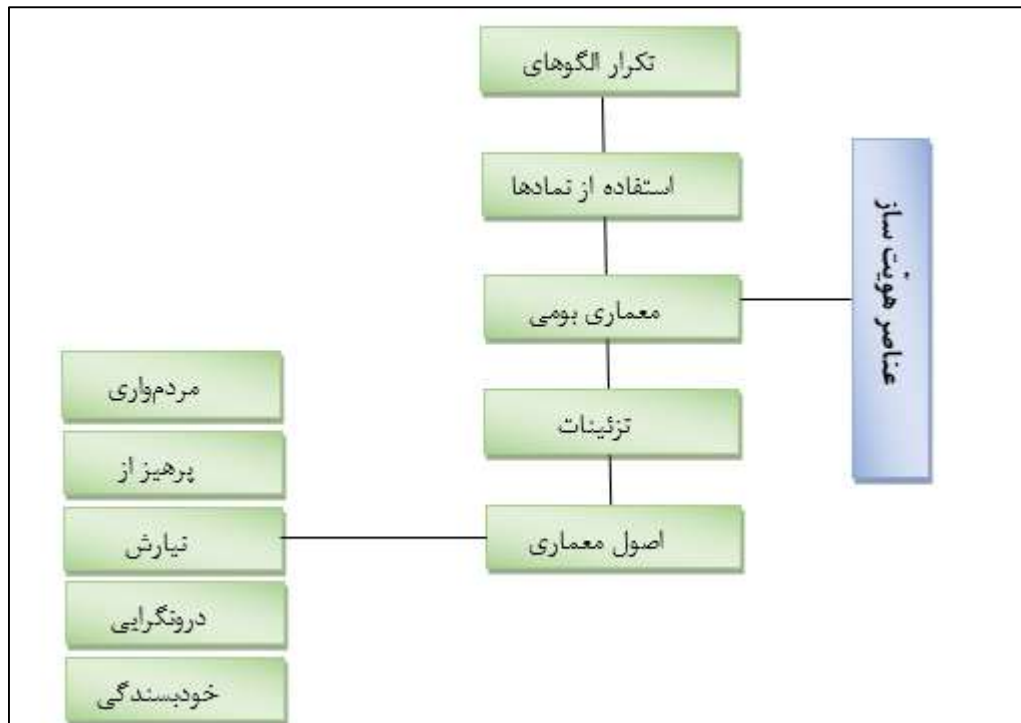
قاسمی ۱۳۸۳	برآیند هویت‌های افراد یک جامعه را هویت جمعی گویند. طبیعی است که در یک جامعه‌ی مشخص، هویت همه‌ی آحاد جامعه همسان نیست، بلکه فقط همپوشانی‌هایی با یکدیگر دارند.	هویت جمعی
------------	---	-----------

هویت شهری: در مورد هویت محیط مصنوع و عناصر معماری و به طور کلی در مورد مکان می‌توان به جزئیات بیشتری نیز اشاره نمود. مکان که برآیند و ترکیبی از عناصر فرهنگی و عناصر طبیعی می‌باشد، در واقع هویتی را داراست که این هویت تا حد زیادی متأثر از عوامل فرهنگ و عناصر منبعث از باورها و جهان‌بینی جامعه می‌باشد. در واقع هویت مکان به نحوی به هویت انسان یا بهتر بگوییم به عوامل هویت‌دهنده انسان مرتبط می‌باشد. این ارتباط به دو طریق برقرار می‌شود. اول به تناسب ایجاد عناصر و اشکال و فضاهای معنادار و هویت‌دهنده در مکان و دوم با قرار گرفتن انسان در مکان به گونه‌ای که می‌توان گفت که مکان بدون هویتی را دارا نخواهد بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۰).

هویت سیما شهر مجموعه خصلت‌های بصری، کالبدی و معماری است که به صورت غالب شهر تداوم دارد. نظم فضاهای پُر و خالی، خوانایی فضا و سیمای محله‌ای و کیفیت‌های بصری مناطق مسکونی گذشته، از جمله ارزش‌هایی هستند که در ذهن مردم نقش بسته‌اند. در واقع، مجموعه این‌ها هویت محله‌های مسکونی را شکل می‌دهند و نیاز به بقا و پایداری آن را ضروری می‌نمایند (برک‌پور، ۱۳۸۰).

هویت در معماری: برای درک هویت معماری ایرانی می‌توان با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آن‌ها عناصر هویت‌ساز معماری سنتی را دریافت. طبق نظر دکتر پیرنیا ویژگی‌های معماری ایران شامل پنج اصل: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است. نمودهای هویت را در معماری می‌توان به صورت زیر مرتبط با ابعاد هویت ملی دانست. تکرار الگوهای گذشته می‌تواند نمودی از بعد میراث فرهنگی ملی، اسطوره‌های ملی و حتی نمادهای ملی باشد، استفاده از نمادها را می‌توان مرتبط با بعد ارزش‌های ملی، بعد اسطوره‌ها و نمادهای ملی و در نهایت بعد دینی و باورهای مذهبی دانست. طراحی طبق اصل معماری بومی در بعد ویژگی‌های جغرافیایی جای دارد. تزئینات در ارتباط با ارزش‌های ملی، باورهای مذهبی و اسطوره‌ها و نمادهای ملی معنا می‌یابد. اما در گروه پنج اصل معماری ایرانی یعنی مردم‌واری آموزه‌های اسلامی، نشانگر این حقیقت است که اسلام عبادت صرف و دوری کردن از مردم را جاز نمی‌داند از طرفی، نگاه معماری به انسان به منزله روح بنا است و کالبد بنا همان جسم است که معمار آن را می‌سازد. پس معمار موظف است کالبد بنا را متناسب با روح آن بیافریند، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، نیارش و درونگرایی قابل بررسی در ابعاد ارزش‌های ملی، ویژگی‌های جغرافیایی و باورهای دینی هستند.

عناصر هویت‌ساز معماری: هویت عمومی و به تبع آن هویت معماری از توجه به وجوه متمایزکننده فرهنگی به دست می‌آید. معماری ایرانی- اسلامی را می‌توان بخشی از هویت دانست و احیای هویت امری است که همه صاحب‌نظران بر ضرورتش صحه گذاشته‌اند. در نمودار شماره ۱، عناصر هویت‌ساز مشاهده می‌شود.



شکل ۱: عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی (منبع: نگارندگان)

فضای شهری: شهر مجموعه‌ای فرهنگی و کالبدی است که بر اساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل گرفته است. انسان‌ها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود عرضه می‌کنند. شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای اینگونه اتفاقات، بالتبع فضاها و خصوصیات آنها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری یک جامعه می‌باشند، از سوی دیگر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین تأثیر شدیدی می‌گذارند (پاکزاد، ۱۳۸۴). فضاهای شهری جزء لاینفک ساختار شهرها هستند. اگر بخواهیم فضای شهری را بدون تحمیل معیارها زیباشناختی روشن کنیم، ناگزیریم فضاهای بین ساختمان‌ها در شهرها و سایر مکان‌ها، فضای شهری قلمداد کنیم. این فضا از نظر هندسی با نماهای گوناگون محصور می‌شود. فقط وضوح ویژگی‌های هندسی و کیفیت‌های زیبایی‌شناختی آن است که به ما اجازه می‌دهد آگاهانه فضای باز بیرونی را فضای شهری تلقی کنیم (کریر، ۱۳۸۳). بنابراین فضای شهری بخشی، از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند. یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود. فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود که برخی از مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند. بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود اینست که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد.

فضای شهری، مصنوعی است، سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به صورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی، انسان جزئی از فضاست و با ارزش‌ها و هنجارهای خود به این فضا معنی می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص، چهره متفاوتی به خود می‌گیرد. کاربرد عمومی فضاهای شهری ایجاد آرامش، سرگرمی و محلی برای گردش، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت و امکان تردد می‌باشد.

هویت در شهرسازی: به عقیده کریستوفر الکساندر، هویت در محیط فرهنگی تجلی پیدا می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین افراد و محیط حاصل شده باشد (Alexander, 1977). وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی او ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد، توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورت، پاسخ مناسبی به کشش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد. والتر بور، نیز عقیده دارد هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث باز شناختن یک مکان (خوانایی محیط) می‌شود و حس دل بستگی و حساسیت به محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است. در شکل و نحوه قرارگیری فضاها، در طرز دسترسی به فضاها و در کاربری‌ها نیز می‌باید وجود داشته باشد (بزرگر، ۱۳۸۳، ۱).

یافته‌های پژوهش

تأثیر عناصر هویت‌ساز معماری در فضای شهری: معماری ایران طی تاریخ تحت تأثیر تحولات مذهبی و حکومتی درونی و بیرونی و همچنین عوامل تأثیرگذار وابسته بدان بوده و دستخوش تغییرات فراوانی شده است. در برخی از مقاطع تاریخ این تحولات چنان بنیادین بوده که سبک‌ها و چالش‌های فراوانی را در فضای معماری و نیز اجزای آن همچون تزئینات موجب شده است. عناصر معماری ایرانی-اسلامی طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت‌بخشی بوده است. در این میان، یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری عناصر و به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. ورود اسلام به ایران به گونه‌ای بود که به تدریج بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ ایرانیان و حتی نوع و شرایط حکومت داری تأثیر گذاشت. واضح است که قدرت این مذهب بسیاری از ساختارهای فرهنگی ایرانیان را تغییر داد و تغییر این ساختارها بر محصولات فرهنگی و به خصوص معماری نیز مؤثر واقع شد. به اعتقاد صاحب‌نظران معماری ایرانی، در دوران کنونی از اصول حاکم بر تزئینات معماری اسلامی و تأثیر و تأثر آن بر فرهنگ و مشی مردم کمتر سخن به میان آمده است. اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آنگاه می‌توان از معماری اسلامی-ایرانی معاصر با مشخصات هویتی و فرهنگی‌اش سخن گفت (نقی زاده ۱۳۸۱: ۹۱-۹).

مسجد: مسجد را چه مسجد می‌کنند؟ یک دیوار که درست به سمت قبله، یعنی همان حجرالاسود درون کعبه جهت‌یابی شده باشد. دیگر نه نیازی به سقف است، نه حداقل اندازه، نه دیوارهای محاط کننده و نه هیچ گونه ضامم مذهبی دیگر. در واقع می‌توان گفت که حتی دیوار الزامی نیست. از قول پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرموده: (هر کجا که نماز برپا دارید، همان جا مسجد است). با این حقیقت امر است که مسجد نوع عالی بنای اسلامی به معنا واقعی کلمه است و به این کلید معماری اسلامی به شمار می‌آید (براند رابرت، ۱۳۷۷). پراکنش مراکز مذهبی در سطح شهر با اصل سلسله مراتب تقسیمات کالبدی مطابقت داشته و به طور کامل مجموعه بافت را پوشش داده است (حقیقت نائینی، ۱۳۷۸). به رغم تفاوت فاحشی که بین انواع مساجد و امان مذهبی وجود دارد، هیچ گونه تفاوت در طرح اساسی این مکان‌ها ضرورت نمی‌یابد.

هویت مساجد: مروری اجمالی بر تاریخ مکاتب و جهان‌بینی‌ها و ادیان نشان می‌دهد که جملگی آن‌ها نافی آن دسته از مؤلفه‌های هویت‌ها ایدئولوژیکی موجود جوامع بوده‌اند که در تقابل با مبانی آن‌ها عمل می‌کرده‌اند، و برعکس به عنوان آورنده و مبلغ هویت جدیدی برای جامعه ایفای نقش نموده‌اند. طبیعی است که یکی از اهداف یا روش‌های اسلام در اصلاح جامعه نیز معرفی مؤلفه‌های هویتی جدیدی برای انسان و جامعه بوده که ضرورتاً نافی بسیاری عوامل هویتی موجود بوده‌اند و به همین جهت مورد مخالفت قرار گرفته و می‌گیرند. عنوان‌های اصلی این مؤلفه‌ها که هویت مسلمانان را نشان می‌دهد عبارتند از: عبودیت حق، وحدت جامعه، عزت مؤمنان، مقام خلیفه الهی انسان، رابطه انسان و جهان هستی، تقوی، نداشتن تشبیه به کفار و مشرکان، نپذیرفتن ولایت کفار و مشرکان، نپذیرفتن ولایت کفار و مشرکان....

اسلام نیز همانند هر مکتب و ایدئولوژی دیگری با بیان اصول و ارزش‌های مورد نظر خویش اولاً ناқы هویت جامعه جاهلی زمان خویش بوده و ثانیاً هویت جدیدی را برای آن‌ها مطرح نموده است. ارزش‌های فرهنگی و اصول جهان‌بینی جامعه، با مختصات مکان (معماری)، تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. به دلایل عدیده‌ای این تأثیرات، به نوبه خود بر بسیاری از امور مبتلا به جامعه و از آن جمله هویت آن تأثیر پیچیده و بدیهی دارند. معماری و شهرسازی تأثیرات وسیعی بر زندگی و شیوه زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و در نتیجه بر فرهنگ جامعه دارد. در این حالت نیز نوع معماری از جمله تناسبات، نوع و اندازه مسکن، شبکه معابر، تناسبات، عملکردهای همجوار، رابطه عملکردهای شهری و مانند آن‌ها بر رفتارهای افراد و چگونگی مشی و الگوی زیستی جامعه اثر می‌گذارد و در نتیجه می‌توان به مرور فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

با الهام از فرمایش پیامبر اکرم (ص) که نماز را پرچم اسلام نامیده‌اند و با توجه به اهمیت معنوی پرچم به عنوان علامت و نشانه و هویت گروهی خاص، شاید این برداشت دور از ذهن نباشد که محل برگزاری نماز (مسجد) به عنوان نشان و عامل هویت محل زندگی نمازگزار (شهر) تلقی نماییم. به عبارت دیگر با استناد به این فرمایش که نماز نشانه اسلام است می‌توان جملگی مفاهیم و عناصر مرتبط با آن را به عنوان هویت و معنای زمینه‌ای خاص از زندگی تلقی نمود. یکی از آشکارترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی مسجد است که هم از جنبه هویت ظاهری و هم از بُعد معنوی، ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار است.

مسجد تنها گونه ساختمانی بود که به ناگزیر در سرتاسر کل جهان مسلمان گسترده شد، و این امر از همان آغاز انجام گرفت. نوع هویتی که برای مسجد مطرح است مستقل از انسان و مرتبط با جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی می‌باشد که البته در برگشت جهان‌بینی و فرهنگ به جامعه (فرد و جمع) انسان نیز می‌توان آن را جزئی از هویت خویش بینگارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۰).



شکل ۲: فاکتورهای کلی هویت (منبع: نگارندگان)

در چهارچوب یکی از معیارهایی که لینچ^۱ برای تبیین هنجارهای شکل خوب ارائه می‌دهد، اشاره کرد. معیار معنی و در دل آن معیار هویت به مثابه یکی از هفت معیار شکل خوب شهر به تنهایی هم می‌تواند متغیرهای مهمی از فرایند ارزیابی و شکل‌دهی فضای مطلوب شهری را در خود جمع می‌کند و هم برآیند هویت به مفهوم حدی که شخص بتواند یک مکان را به عنوان مکان متمایز از سایر امکنه شناخت یا بازشناسایی کرد بحثی است که در رابطه با موضوع معماری مساجد و نمای شهری مبانی نظری پُر باری را عرضه می‌دارد. به زعم لینچ متغیرها، عناصر و عواملی چون تداوم و تناسب، فرم هندسی و رنگ و غیره که برای شفافیت بصری نمای شهری مورد مداخله قرار گرفتند، عوامل مهمی هستند که معنای هویت را بارور می‌کنند. بنایی که از هویت درستی برخوردار باشد و بتوان معنی آن را از طریق هویت درک کرد قطعاً بنایی است که غالب

^۱Kevin Andrew Lynch

معیارهای مطلوبیت نما و سیمای مطلوب در آن رعایت شده است. چنین بنایی می‌تواند احساس مکان را به خوبی عرضه و تقویت کند. آشنایی زیاد موجب احساس مکان می‌شود، اما کافی نیست. از دو زاویه باید آشنایی از طریق شکل و فرم بصری تقویت شود. اولاً شکل بتواند معنی مکان را و احساس مکان خاص را برای بیننده القا کند. ثانیاً ترکیب شکل و آشنایی با یکدیگر آن گونه که لینچ تذکر داده است موجب تقویت احساس مکان شود.

البته احساس مکان و هویت به وسیله مراسم قابل تقویت هستند، اما وقتی که درحاشیه یا پیرامون بنایی چون مسجد فعالیت‌های گسترده‌ای جاری می‌شود که عنصر فعالیتی مراسم نقش بسیار اندکی در برآیند جمعی آن پیدا کند، صرف اتکا به مراسم کفایت نمی‌کند. به زعم لینچ: هویت و ساختار جنبه‌هایی از شکل هستند که به ما امکان می‌دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم. بعد از آن کیفیاتی مطرح می‌شوند که به ما در برقراری پیوند بین شکل شهر و دیگر خصوصیات زندگی ما کمک می‌کند.

در ایجاد، انسجام و تداوم مثبت معنی و هویت، نما و سیما و عناصر برجسته طرح کالبدی شهر برجسته‌ترین نقش را برخوردار هستند. حضور برجسته عناصر معمارانه مسجد در لباس نشانه‌های شهری-به ویژه نشانه‌های دیرپا در تصور ذهنی شهروندان- می‌تواند ارزشمندی و مطلوبیت کیفی طرح مسجد را در عرصه طراحی یک سیمای شهری اسلامی یا حداقل مسلمان‌نشین بازگو کند.

تأثیر هویت‌ها و ارزش‌های معماری در معماری و شهرسازی معاصر ایران، موضوع تازه‌ای نیست. همواره پیشینه و تمدن هر کشور بر دوران‌های بعد از خود تأثیر گذاشته و از ارزش‌های آن متأثر گشته است و این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به نوعی در تمام سرزمین‌ها مشاهده می‌گردد (اقبال، ۱۳۷۸: ۱). کالن؛ هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و مشابهت در محیط‌های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). جیکوبز نیز هویت را در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی در خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌کند. وی معتقد است شهرها امن‌تر، قابل زندگی‌تر و پر جاذبه‌تر می‌شوند، چنانچه خیابان‌هایشان به ترکیب پیچیده‌ای از فعالیت‌های مختلف اختصاص داده شوند.

لینچ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به معنای بسیار ساده، معنی مکان تعریف می‌کند، هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد (لینچ، ۱۳۷۶).

چارلز کوره آهویت را یک فرایند می‌داند و معتقد است که شکل فرایندی هویت، موجب شکل‌گیری و توسعه آن در طی زمان و بر مبنای حل مشکلات واقعی می‌گردد. از طرفی او معتقد است که این پدیده مفهومی خود آگاهانه نبوده بلکه نیازمند نگاه بیرونی و درک مخاطب می‌باشد (Correa, 1983: 10). بر این مبنای معاصر را مستلزم برداشت اصول و تطبیق آن با مصالح، عادات، اقلیم و سنت‌ها می‌داند که معماری را با شرایط و هویت محلی تطبیق می‌دهد. کوره آ مفهوم اقلیم را عاملی اساسی می‌داند که نقشی اساسی در تعیین فرم بناها، فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها دارد. کوره آ ویژگی دیگر هویت را کثرت‌گرا بودن آن می‌داند، به این مفهوم که هویت جلوه‌های بسیار زیادی داشته و نمی‌توان یک جواب مشخص را برای آن در نظر گرفت. او همچنین از پویایی و تغییر به عنوان ویژگی دیگر هویت نام می‌برد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹).

¹ Gordon cullen

² Jane Jacobs

³ Kevin Andrew Lynch

^۴Charles Correa

نتیجه گیری و پیشنهادها

گذشته تاریخی همواره بخش مهمی از هویت اجتماعی فرد محسوب می‌شود و نوع بینش روایتگر تاریخی به دغدغه او برای حفظ هویت که خود ماهیتی چندگانه داشته، مربوط می‌شود. این خودآگاهی تاریخی و تعلق خاطر به گذشته، عرصه‌ای را می‌گشاید که در آن، انسان در گفتگو با گذشته تاریخی خویش قرار گرفته و به بازیابی و درک جایگاه خویشتن امروز دست می‌یابد. در این گفت و گوی گذشته و حال است که انسان تغییرات ضروری هویتی خود را کشف کرده و در دنیای امروز، هویت خود را باز تفسیر می‌نماید و در نهایت، به زندگی خود معنی می‌بخشد. دغدغه ایجاد کیفیتی مطلوب در فضای معماری به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف معماران، توجه آنان را به شیوه‌هایی جلب کرده که متکی بر تجربیات بشری و تسلسل هویتی دستاوردهای انسان با نسل‌های پیشین و پیش دانسته‌های اوست. این خاطرات و انباشت‌های ذهنی با رجوع چندین باره، تقویت شده و زبان الگوهای معماری را تبیین می‌کند.

الگوهایی که فراتر از رنگ، فرم، مصالح و سبک‌هاست و امکان کشف حالات انسانی را فراهم می‌کند. معمار ایرانی در طی اعصار این الگوهای فضایی را خلاقانه قوام بخشیده و با ترکیب عناصر، عوامل و حالت‌های فضایی مختلف، روایت جدیدی به دور از تقلید نقل کرده است؛ و در نهایت زنجیره هویت فرهنگی جامعه را تداومی مسحورکننده بخشیده است. در پی استحاله فرهنگی، معماران درصدد جستجوی حلقه‌های مفقود هویت فرهنگی برآمده و راهکارهای متنوعی را در طی این سالها اتخاذ کرده‌اند. بازیابی زبان الگوهای معماری ایرانی و بازخوانی مجدد کیفیت‌های نهفته در بطن این میراث ارزشمند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه در دوران معاصر، مورد توجه بسیاری از معماران بنام قرار گرفته است. این تلاش‌ها با عنوان هویت‌گرایی معرفی و دو گونه شکلی و الگویی برای آن عنوان شد. گونه شکلی با تمرکز بر عناصر، مصالح و نمادهای معماری سنتی، و گونه الگویی با اولویت بخشی به کیفیت فضایی و الگوها، معرف هویت‌گرایی هستند.

هویت فضای شهری برآیند و ترکیبی از عناصر فرهنگی و محیط مصنوع انسان می‌باشد. در واقع هویت محلات شهری برگرفته از فضاهای شهری، عناصر اصلی محله و نحوه چیدمان واحدهای مسکونی و تدقیق آن با خرده فرهنگ، گروه‌های اجتماعی ساکن در آن است. عناصر شهری مرکز محله در همجواری و ترکیب با یکدیگر و ایجاد یک وحدت فضایی در بافت قدیمی شهرها به مراکز شهرهای قدیمی هویت می‌داند. در این میان، مساجد نقش عنصر مرکز و محوری مراکز محلات شهری را به عهده داشتند. مساجد علاوه بر ترکیب در کنار سایر عملکردهای مرکز محله (بازارچه‌ها و مدرسه، فضاهای باز شهری و سایر عناصر در بافت قدیم) نقش تأمین نیازهای معنوی (که برگرفته از جهان‌بینی و باورهای اعتقادی) را نیز ایفا می‌کند. هویت مسجد به عنوان مکانی تعریف شده که به هویت محله و از آن جا به هویت اهل آن منتهی می‌شود، به هویت شکلی و کالبدی محدود نمی‌شود. به عبارت دیگر اگر چه که هویت فیزیکی و ظاهری مسجد از اهمیت خاصی برخوردار است از آنچه که به تکمیل و تأمین آن کمک می‌کند و در یک جهان‌بینی وحدت‌گرایانه و جامع‌نگر باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، عبارت از توجه درخور به جنبه‌های معنویت هویت است. این جنبه‌های معنوی هویت با ریشه داشتن در مبانی نظری جهان‌بینی و فرهنگ جامعه ویژگی‌هایی را دارا هستند و توجه جدی به عوامل فرهنگی معاصر از جمله مورد مؤثر در آن است.

در بحث ساخت و سازها در فضای شهری، باید به این واقعیت توجه کرد که در یک تحول تاریخی معماری مسجد به تدریج خود را در فضاهای عمومی شهرهای اسلامی به تأثیر از تحول تکنولوژیک و عملکردهای پاره فرهنگ‌های جانبی در مقایسه با گذشته کاملاً متحول شده‌اند. عرض و فرم راه‌ها و شکل میدان‌ها همراه با فضاهای باز مختلف در ترکیب و اتصال با عناصر جزئی ساخت و بافت زمینه‌هایی را فراهم آورده‌اند که دیگر نمی‌توان انتظار داشت معماری فضاهای عمومی خاصی چون مسجد در متن بافت فشرده، ارگانیک و پیچیده شهری پنهان شده باشد. به علاوه، موضوع تراکم ساختمانی و فعالیت‌ها، به ویژه ارتفاع ساختمان‌های مختلف و انبوهی فعالیت‌های احاطه‌کننده فضاهای عمومی، دگرگونی مشخصی را در ساماندهی

و ارتباط و همچنین اتصال انواع فضاها پدید آورده است. دیگر نمی‌توان عیناً همان ساختار قدیمی شبکه راه‌های کنار مسجد را نعل به نعل برای امروز تداوم کالبدی داد. ارتفاع و تراکم ساختمان‌ها را نمی‌توان مانند گذشته حفظ کرد. در واقع، کلاً توده‌های شهری را نمی‌توان تکرار توده‌های قدیمی در مجاور و بر عرصه فضاها موجود دانست. ساختمان‌های بلندی که در حال ساخت و سازند، می‌روند تا ارتفاع و عظمت خود را بر ارتفاع متعارف توده کلی، گنبد و حتی منار مسجد تحمیل کنند. تغییر شکل، نحوه استقرار و جانمایی فضاها تجاری نیز چنان است که به راحتی با الگوهای مسجد، میدان، بازار، کاروانسرا و مدرسه، آنطور که سنت شهرهای اسلامی حکم می‌کند، تلفیق و ترکیب‌پذیر نیست. اکنون مراکز تجاری با قدرت خود را برای بناهای ارزشمندی چون مسجد تحمیل می‌کنند.

به طور خلاصه هر نوع فضایی که در خارج از ساختمان‌ها و بین ساختمان‌ها مفاهیم توده و فضا را عینیت بخشند، هر نوع فضایی که کاربری عمومی آن‌ها از طریق فضاها بیرونی باور شوند و خلاصه هر عرصه‌ای از شهر که نگاه عمومی، استفاده عمومی و مطلوبیت را به خود معطوف کنند، فضاها عمومی- بیرونی تلقی می‌شوند که خود از یک طرف عین فضاها عمومی بوده و از طرفی دیگر واجد، رابط و انعکاس دهنده‌ی چهره و شمایل بیرونی عناصری هستند که پشت آنها و یا در مجاورت آن‌ها قرار داشته و واجد عملکردها و فرم‌های درونی برجسته‌ای هستند. در نهایت توجه به کالبد، جانمایی، و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصر شهری در کنار مباحث فرهنگی و معنوی که از وظایف طراحان شهری است از جمله مواردی است که موجب ارتقاء هویت مسجدها در فضای شهری می‌شود.

منابع و مأخذ

- افروغ، عماد، (۱۳۷۷) فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اقبالی، سید رحمان، (۱۳۷۸) هویت معماری- معمار ایرانی، بررسی تطبیقی نظریه‌ها و تجربه‌ها، رساله دکترا دانشگاه تهران، تهران.
- برزگر، محمد رضا، (۱۳۸۳) بازشناسی هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، شیراز.
- برک پور؛ ناصر (۱۳۸۰)، پایداری هویت در محله‌های مسکونی - گفتگو با کامران ذکاوت، مجله شهرداری‌ها، شماره ۲۵، تهران.
- حجت، عیسی، (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز: تعاملی در رابطه با هویت و معماری، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۲۴، ص ۶۲-۵۵.
- سجادی، س.ج، (۱۳۶۳) فرهنگ معماری اسالمی، جلد چهارم، تهران: انتشارات شرکت مولفان و مترجمان.
- سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح. (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت شهر، ۱۱(۱)، ۱۵-۲۶.
- حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ فروزانگر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر؟). هویت شهر، ۲(۳)، ۲۳-۱۳.
- قاسمی اصفهان، مروارید (۱۳۸۳). اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی چاپ اول تهران انتشارات روزنه.
- کالن، گوردن، (۱۳۷۷)، منظر شهری، نشر آگاه، تهران.
- لینچ، کوین، (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، دانشگاه تهران.
- محرمی، توحید، (۱۳۸۳) هویت در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- مدنی پور، علی، (۱۳۷۹) طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماع و مکان، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰) روان شناسی محیط و کاربرد آن، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، روان شناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۰، ۵۲-۶۷.
- موثقی، رامین و ایرملو، سحر، (۱۳۸۳) عناصر هویت فرهنگی در شهر مرجع مهندسی عمران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران و شهرداری همدان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) تأثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی، هنرهای زیبا، دوره ۱۱، شماره ۱۱ (۴۵۹)، ۷۶-۶۲.
- نوفل، سید علیرضا، کلبادی، پارسین؛ پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری، نمونه موردی: محله جلفا در شهر اصفهان. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲(۳)، ۵۷-۶۹.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۰)، نقش مسجد در احراز هویت اسلامی شهر، معماری مسجد، افق آینده؛ دوره ۲، ۶۵۳-۶۷۲.
- Alexander, C. (1977). From a set of forces to a form. In G. Kepes (ed.), Man-made Objects. New York: Studio Vista Publishers.
- Correa, C. (1983). Architecture and Identity. Singapore: Concept Media Pte Ltd.